



۲۰۱۸/۱۱/۲۵

ملالی موسی نظام

## مبارزه در راه منع خشونت بر زنان

به استقبال از روز بین المللی منع خشونت بر زنان



بیشترین نمونه های مظالم بر زنان و دختران را میتوان در آرشیف های مربوط به افغانستان مشاهده نمود

مبارزین و فعالان حقوق زنان از سال ۱۹۸۱ به اینطرف تاریخ ۲۵ نوامبر را منحصیث روز بین المللی منع خشونت بر زنان تعیین نموده اند. این روز برای قدرمندی از خواهران «میرابل» که سه خواهر فعال سیاسی در جمهوری «دومینیک» واقع در بحیره کاریبین در جنوب ایالات متحده امریکا بودند، انتخاب گردیده است که آنان در سال ۱۹۶۰ به امر فرمانده آن عصر به نام «رافائیل تروخیلو» بصورت فجیعی کشته شدند.

به تاریخ ۲۰ دسمبر ۱۹۹۳ اسمبله عمومی ملل متحد اعلامیه منع خشونت بر زنان را صادر نمود و راه تعمیم خشونت هایی را که به مقابل زنان در سر تاسر جهان واقع میگردد، بست. بعد از چند سالی در ماه فروری ۲۰۰۰ بالاخره ملل متحد توسط اعلامیه ای رسماً روز ۲۵ نوامبر را برای استقبال از «روز جهانی منع خشونت بر زنان» اعلام نمود تا بدین طریق همه ملت های جهان آگاهانه برای بزرگداشت این حق مسلم در قوانین خویش و در عمل چنین وجیبه اجتماعی را به رسمیت بشناسند.

راپور امسال «کمیته نظارت بر حقوق بشر» یکی از مؤسسات وابسته به حقوق انسانی ملل متحد بصورت خلاصه بر حقایق تلخی اتکاء مینماید که بسیار دلخراش است. این کمیته اظهار میدارد که علی الرغم اینهمه قانونیت و حمایت از حقوق زن در سال های متمادی در جهان، زنان و دختران در سراسر دنیا هنوز در طفلی

به ازدواج سپرده میشوند، به کار شاقه اجباری گماشته میشوند و مورد تجاوزات جنسی بصورت بردگی در می آیند. این قشر اجتماع از تحصیل و فعالیت های اجتماعی و سیاسی محروم میگردند و در حالت های جنگ اجباراً مورد تجاوزات و خشونت های غیر انسانی دد منشانه هم قرار میگیرند.

در بسیاری از ممالک جهان مرگ و میر اطفال به خاطر مادران و اطفالی که با شکنجه ها روبرو هستند، بیشتر شده میروند. زنان از هر نوع حقوقی که بر مبنای آزادی شخصی باشد محروم بوده و با درخواست آن به خشونت مواجه میگردند. «**کمیته نظارت بر حقوق بشر**» در تلاش زیاد است تا بتواند از حقوق پامال گشته زنان در سراسر گیتی حمایت و مراقبت نماید.

در افغانستان دردا که با وجود موجودیت قانون و مقررات و محاکم، خشونت بر زنان وطن ما همیشه و هرسال قوس صعودی غیر قابل باوری را می پیماید. با وجود احکام مندرجه اوراق رسمی ای به نام «**قانون اساسی دولت اسلامی افغانستان**»، چنین مظالم رو به ازدیاد ونهایت غیر بشری بوده، بازگشت به عقب گرایی و پامال حقوق حقه نیمی از ملت افغان را عملاً تثبیت می کند که جفانیت مدهش، دردناک و غیر قابل عفو!

اینکه در راپور سالانه مؤسسات خیریه بین المللی در مورد تحمیل و تعمیل خشونت و مظالم منافی قوانین دولتی، مقررات حقوق بشر و نقض و پامال حقوق زنان افغان، یک قوس صعودی ای را با فیصدی در حال انکشاف نشان می دهد، صرف احصائیه نسبی مناطقی است که این مؤسسات تا حدی به جریانات محیط آن دسترسی داشته اند. حقیقت این است که در نواحی دور دست و حتی در اکثر چهار دیواری منازل، چه جنایاتی نیست که مخفی یانه یا علنی بر زن و دختر مظلوم وطن ما تحمیل نمیگردد؟

سالانه هزاران دختر خرد سال به عنف و جبر به خانه مرد کلان سال و بیگانه ای فرستاده میشوند و از همان روز اول با مظلومی که روی بشریت از آن سیاه میگردد، روح معصوم و بدن کوچکش با شکنجه های جانکاه و وحشی، جبراً مواجه میگردد، کجاست مقررات و تطبیق قوانین که نکاح صغیره را مانع گردد؟!



یکی از مظالم استخوان سوز و دور از انصاف و جنایتکارانه در افغانستان، نکاح صغیره به یک مرد بالغ است

هزاران طفل اناث در بیرون منزل مورد حمله و تجاوز اطرافیان شناخته شده، در مناطق خویش واقع میگردند و بعضاً با وحشی گری ها با مرگ روبرو میگردند، کجاست اسلامیت، افغانیت و انسانیت؟ کجا پنهان گشته عدالت و بازخواست و مجازات که تشکیلات و دم و دستگاه ضعیف و بی کفایت عدلی و قضایی افغانستان که با مصارف و مبالغ سرسام آور فعالیت می نماید، آنرا بخواهد تعمیل نماید؟ گاهی راپوری در مورد توقیف چنین ددمنشان زن

ستیز منتشر می‌گردد ولی هرگز نمی‌شنویم که در کدام محکمه چنین جنایتکاران وطنی جلب شده‌اند و در کدام محبس و زندان مجازات گردیده‌اند.

چنین است که با عدم تعمیم عدالت و انصاف، این قوس صعودی خشونت و مظالم روز افزون شکل می‌گیرد و نشو و نمو مینماید. کدام ملا و آخوندی که نکاح دختر صغیره را با جسارت می‌بندد، مورد بازخواست و مجازات عادلانه قرار گرفته است، کدام پدری که دختر خردسال را به شوهر به فروش رسانیده، مجرم شناخته شده و بالاخره کدام شوهر ظالمی که همسر ناتوان و بی‌دفاع را تا حد قتل نفس شکنجه نموده است، به عدالت سپرده شده است؟ مگر ورق پاره ای بنام «**قانون اساسی دولت اسلامی افغانستان**» در پهلوی حقوق و مزایایی که در متون گوناگون آن به طبقهٔ اناث کشور «**ظاهرأ**» قایل گردیده، سن قانونی ازدواج دختران افغان را ۱۶ سال تعیین ننموده است؟

بهرحال، «**قانون منع خشونت بر زنان**» که ۹ سال قبل با موجودیت رخصتی پارلمان، از جانب حامد کرزی به شکل «**فرمان تقنینی**» رسمیت حاصل نمود، بعد ازین مدت طولانی باوجود عدم مراعات عملی شرایط حقوقی و تأمین عدالت، اقلأً به شکل قانون تبارز نمود، هم چنان با ایجاد سر و صدا در ولسی جرگه بی‌خاصیت و فتنه انگیز، با موجودیت وکلای اکثرأً غیر حاضر، معضلهٔ دیگری را بوجود آورد. با در نظر داشت این که ثلث اعضای آن تالار جنجال آفرین را وکلای زن غیر مسئول و بی‌کفایت تشکیل میدهد که نه ترحمی بر هم جنسان دارند و نه وظیفه ای را برای حمایت قانونی از طبقهٔ مظلوم اناث بی‌دفاع کشور، منحصیث نمایندگان ملت بردوش خویش احساس میکنند.

در مورد میزان خشونت علیه زنان شدیداً نا امید کننده است. وزیر زنان در اعلامی هی اظار می‌نماید که "محو خشونت علیه زنان یکی از اولویت های عمده دولت افغانستان و جامعه جهانی بوده است و نیاز است تا در این راستا پیشرفت های سریع به دست آید".

دردا که برای جستجوی حالات خشونت بر زنان و دختران به سراغ تصاویری در اینترنت رفتم، باور بفرمایید که بیشترین عکس هایی که نهایت روش های تحمیل گشته و مظالم شدید انسانی را نشان میداد، مربوط به دختر مظلوم و زن بی‌دفاع افغان بود.



پایان